

تحلیل و بررسی ولایت عرفانی

عباس شاه منصوری

www.ketab.ir

سرشناسه: شاه منصوری، عباس، ۱۳۵۶ -
عنوان و نام پدیدآور: تحلیل و بررسی ولایت عرفانی/عباس شاه منصوری.

مشخصات نشر: مشهد: انتشارات ولایت، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۷۶ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۷۷۷۵-۳-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: ولایت (عرفان) / *Sainthood (Mysticism)

موضوع: ولایت / *Sainthood

رده بندی کنگره: ۱/۲۸۷BP

رده بندی دیویی: ۸۳/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۵۱۸۱۱

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا



ولایت

تحلیل و بررسی «ولایت عرفانی»

عباس شاه منصوری

انتشارات: ولایت

چاپ: آستان قدس

قیمت: ۳۸۰۰۰ تومان

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۷۷۷۵-۳-۴

مراکز پخش: مشهد، انتشارات نور کتاب، بهجت ۲، پاساژ گنجینه کتاب، نشر نور

کتاب، تلفن: ۰۵۱-۳۲۲۴۲۲۶۲

مشهد، کتابفروشی طالبیان، خیابان آخوند خراسانی ۲۰/۱، جنب مسجد الزهراء ع.

تلفن: ۰۵۱-۳۸۵۵۵۹۴۷

قم، خیابان معلم، انتشارات دارالتفسیر، تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۴۴۲۱۲

تهران، خیابان شریعتی، رویروی ملک، خیابان شبستری، خیابان ادیبی، پلاک

۲۶، انتشارات نبأ، تلفن: ۰۲۱-۷۵۵۰۴۶۸۳

فهرست مطالب

مقدمه ۹

فصل اول: تبیین «ولایت» عرفانی / ۱۳

تعریف ولایت ۱۵

مراتب ولایت ۱۷

طریق سلوک در مسیر فناء و وصول به ولایت ۲۴

(۱) لزوم داشتن استاد و تبعیت از وی ۳۰

(۲) تن دادن به ریاضات ۳۲

فصل دوم: مبانی ولایت عرفانی / ۳۵

نظریه وحدت وجود ۳۷

تبیین‌های متفاوت از نظریه وحدت وجود ۴۴

(۱) تشکیک در وجود ۴۴

(۲) وحدت شخصی وجود ۴۷

کدام تبیین؟ ۴۹

نظریه انسان کامل ۶۲

فصل سوم: نقد و بررسی / ۷۱

- ۱- نقد و بررسی مبانی ۷۳
- ۱-۱) نقد و بررسی نظریه «وحدت وجود» ۷۳
- ۱-۲) نقد و بررسی نظریه «انسان کامل» ۸۵
- ۲- نقد و بررسی نظریه «ولایت» عرفانی ۱۰۳
- معنای واژه ولایت ۱۰۴
- واقعیت وحدت وجود ۱۲۷
- وحدت وجود و اندیشه‌های غیر دینی پیشین بشر ۱۳۵
- فنا در آیات و روایات ۱۵۷
- فهرست منابع ۱۶۳
- چکیده فارسی و انگلیسی ۱۷۲
- بیان مؤسسه ۱۷۴

باسمه تعالی

بندگی ملازم با دربند بودن و هر سویی رفتن است. بندگی ملازم با حبس کردن خود در حدود و قیود مولی و برتری دادن امر مولی بر هوای نفس خود است. عقل، آدمی را به بندگی می خواند و در نقطه مقابل، شیطان به رهایی از قیود الهی فرا می خواند. در میان این دو دعوت این انسان مختار است که می تواند یکی از این دو سوی را برگزیده و در آن مسیر طی طریق کند. آنان که مسیر پیروی از عقل برمی گزینند در سلک مومنان درآمده و پیروان شیطان نیز به حسب مراتب پیروی شان از پیشوایشان، از مسیر ایمان دور می افتند. فارغ از مستضعفینی که مسیر هدایت برایشان آشکار نشده، طریق دیگری فارغ از دو مسیر پیش گفته امکان تحقق ندارد.

اگر چه مسیر منحصر در این دو است، اما تلون و رنگارنگی حیل‌های شیطان چنان است که این تمیزگاهی به ابهام می نهد و مسیرهایی رخ می نماید که امر بر آدمی مشتبه شده و مسیر حق را باطل، و

باطل را حق تصور می‌کند. برای دور ماندن از این ابهام، همواره باید بر میزان و معیار حجت راه پیمود تا از کید شیطان در امان ماند. مطمئناً در مسیر هدایت، جز عقل و وحی حجت دیگری برای تکیه کردن و عصای هدایت خود قرار دادن وجود ندارد. عقل بسان نوری در درون، زمینه پذیرش نور وحی را فراهم می‌آورد و با همراهی این دو حجت، مسیر هدایت هموار گشته و نعمت خداوند بر بندگان تمام می‌شود. بر این اساس، بر طالبان مسیر هدایت فرض است که در رنگارنگی اندیشه‌ها همواره بر این دو حجت تکیه داشته و بدین طریق عمق و توسعه برخی افکار که تنها ملاک پذیرششان همان شهرتشان است، نمی‌تواند قاطع طریق جویندگان هدایت و سالکان مسیر معرفت باشد. در اینجا به همین حقیقت است که حجت الهی فرمود:

إِيَّاكَ أَنْ تَنْصِبَ رَجُلًا دُونَ الْحُجَّةِ فَتُضَدِّقَهُ فِي كُلِّ مَا قَالُوا؛

بپرهیز از این که فردی را بدون حجت پیشوای خود قرار داده و در هر آن چه می‌گوید تاییدش کنی.

و این چنین است که در دورانی که حجت خدا از نظرها پنهان بوده و جولان‌گاهی مناسب برای شیطان فراهم آمده است، تمسک به رشته محکم هدایت، مانع از تزلزل پیروان حق می‌شود، که فرمود:

قَدْ بَلَغَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الَّذِي أُرْسِلَ بِهِ فَالْزَمُوا وَصِيَّتَهُ وَ مَا تَرَكَ
فِيكُمْ مِنْ بَعْدِهِ مِنَ الثَّقَلَيْنِ - كِتَابِ اللَّهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ لَا
يَضِلُّ مَنْ تَمَسَّكَ بِهِمَا وَ لَا يَهْتَدِي مَنْ تَرَكَهُمَا؛^۲

به وصیت او [پیامبر ﷺ] و آن چه بعد از خودش میان شما
باقی گذاشت پایبند بمانید؛ همان کتاب خدا و اهل بیتش که
هر کس به آن دو تمسک کند گمراه نمی شود و هر که آن ها را
ترک کرد هدایت نمی شود.

آنان که تابع عقل بوده و مسیر بندگی خدای تعالی را برگزینند در
حصن حصین ولایت الهی وارد شده و خدای تعالی ولایت آن ها را
بر عهده می گیرد و خروج از این حصن، درافتادن به دامان ولایت
شیطان است؛ که فرمود:

«اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذِينَ
كَفَرُوا أُولَئِكَ الظَّالِمُونَ يُخْرِجُهُمُ الظَّالِمُونَ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ»؛^۳

خدا سرپرست و یار کسانی است که ایمان آورده اند؛ آنان را از
تاریکی ها به سوی نور بیرون می برد و کسانی که کافر شدند،
سرپرستان آنان طغیان گراند که آنان را از نور به سوی تاریکی ها
بیرون می برند.

این چنین است که «ولایت» الهی دژی مستحکم برای آسودن از

(۱) الکافی، ج ۳، ص ۴۲۳.

(۲) البقرة (۲)، آیه ۲۵۷.

کید شیطان می‌شود و بر همین مبناست که شیطان اگرچه دسترسی به این دژ ندارد، اما سعی تمام بر آن دارد که امر را بر پیروان حق مشتبه ساخته و کمین‌گاه‌های خود را به جای ولایت الهی معرفی سازد و از این مسیر به مقصود خود نائل آید؛ چه آن‌که یک سوی ولایت، حاکمیت و سوی دیگر فرمان‌برداری است و شیطان مقصودی جز سلطه بر عباد ندارد و این مسیر دام‌گهی مطمئن برای دستیابی او به مقصود است.

بر این اساس، بر ماست که با تکیه بر آن چه حجت الهی است، خود را از این دام‌گه‌ها نجات دهیم و سعی تمام بر معرفی چنین کمین‌گاه‌هایی نداشته باشیم. در نیل به این مقصود، شایسته است مباحثی را که در ذیل عنوان «ولایت» از سوی برخی اندیشه‌ها و مکاتب عرفانی- صوفیانه مطرح می‌شود با دقت تمام مورد نظر قرار داده و با بررسی مدعیات مطرح شده، میزان بعد و قرب این مبانی به ولایت الهی را مورد بررسی قرار دهیم. بدین منظور ابتدا به تبیینی از این دیدگاه پرداخته و سپس به بررسی و تحلیل آن خواهیم پرداخت.